

گفت‌وگو با «مقصود فراستخواه» درباره افراط‌گرایی دینی

# داعش برای بعضی‌ها شغل و جای خواب است

مهسا علی‌بیگی



عکس: سید فریاد

این است که بازی‌های مخرب بازنده- بازنده‌ای که در دنیا شکل گرفته در سطح ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی سر باز می‌کند و داعش، القاعده، طالبان و... را می‌سازد. در عراق بسیاری از کسانی که جذب داعش می‌شوند بیش از آنکه تعلق ایدئولوژیک به داعش داشته باشند، از یک فرد یا جریان نفرت دارند و عصبانی هستند. حتی برخی از بازماندگان ارتش صدام که به داعش پیوسته‌اند، آن را یک آلترناتیو می‌بینند که با آن می‌توانند مشکلاتشان را حل کنند.

**۴ به‌تازگی کنفرانسی در اتحادیه اروپا با حضور کشورهای مختلف اروپایی تشکیل و در آن علل و عوامل جذب گروه‌های مختلف اجتماعی نظیر زنان و جوانان به داعش بررسی شد.** درباره زنان و جوانان اروپایی که به افراط‌گرایی دینی روی می‌آورند هیچ‌یک از عواملی که از آنها نام بردید صدق نمی‌کند.

همان‌طور که تاکید کردم، افراط‌گرایی دینی موضوعی پیچیده است و عواملی که از آنها صحبت کردم بخشی از عوامل ایجاد این پدیده هستند. همان‌طور که گفته شد، معتمد مدل‌های مدرنیزاسیون و پروژه‌های دولتی توسعه در منطقه، مدل‌هایی از بالا، با نکاهی ابزاری به فرهنگ و جامعه و بی‌اعتنا به زیست‌بوم اجتماعی و فرهنگی و زمینه‌های تاریخی جوامع بوده‌اند. من دانشجوی دوران پهلوی بودم و نه‌تنها درباره این مدل‌ها مطالعه کرده‌ام که آنها را زیسته‌ام. این مدل‌ها که در کشورهای عربی نیز پیاده شدند، برخوردی غیرمسئولانه با سنت‌ها داشتند و توسعه بدون توجه به اخلاق و ارزش‌های فرهنگی جامعه را مدنظر قرار دادند. این مدل‌ها نوعی توسعه نامتوازن را ایجاد کردند که ناپایدار هم بود. اینجا توسعه به معنایی که آمارتاسس مدنظر دارد؛ یعنی گسترش افق انتخاب‌ها، نبود بلکه توسعه ابزاری با تاکید بر رشد اقتصادی مدنظر بود که

### پیچیدگی‌های یک پدیده اجتماعی

افراطی‌گری دینی پدیده‌ای پیچیده است که برای آن عوامل بسیاری می‌توان برشمرد. درواقع افراط‌گرایی دینی فقط مسئله‌ای معرفتی نیست بلکه مسئله‌ای اجتماعی، رفتاری، تربیتی، اقتصادی، نهادی، فرهنگی، تاریخی و بین‌المللی است. برای مثال یکی از عوامل معرفتی در این زمینه، استفاده ابزاری از دین و روایاتی است که حتی اعتبار هم ندارند. در این زمینه می‌توان به استفاده داعش از نام «دابق» برای نشریه‌شان اشاره کرد. دابق نام یکی از روستاهای سوریه در منطقه حلب است. این نام از روایتی از ابوهریره به نقل از صحیح مسلم جلد ۴۱ حدیث ۶۹۴۴ گرفته شده است که از پیامبر اسلام(ص) نقل می‌کند قیامت روی نمی‌دهد تا رومیان یعنی غربی‌ها در دابق فرود آیند و سپاهی از مردمان زمین از مدینه برای مقابله با آنها به دابق بشتایند. پس زمینه‌های معرفتی و هیجانی مذهبی در تاریخچه و تبارشناسی این جریان‌ها به‌شدت وجود دارد اما به همان میزان عوامل اقتصادی و اجتماعی نیز در شکل‌گیری‌شان مهم است. یکی از عوامل اجتماعی ایجاد افراط‌گرایی دینی، شکست ایدئولوژی‌های عرفی است. خلاهایی که در نتیجه شکست یک ایدئولوژی ملی و ناسیونالیستی مثل شکست ناصریسم در مصر، ایجاد می‌شود، موقعیت برای ظهور ایدئولوژی‌هایی که وعده رستگاری می‌دهند را فراهم می‌کنند. یکی از عوامل اقتصادی به‌وجودآمدن افراط‌گرایی دینی در کشورها ایجاد فساد در دولت عهدهدار نوسازی است. مورد عراق از این نظر بسیار جالب است؛ قدرت‌های غربی تحریم‌شده بود که دچار جنگی ناخواسته شد. پس از جنگ، وام‌های کلان برای نوسازی وارد سیستم این کشور می‌شود. معلوم است که در چنین شرایطی وام‌ها به دست مردم نمی‌رسد بلکه به دست متنفدان و فرزندان آنها می‌رسد و وارد سیستم ناکارآمد فساد می‌شود. این فساد خود باعث عصبانیت و نفرت است و زمینه‌ای را ایجاد می‌کند که سایر نفرت‌ها سر باز می‌کنند. عامل اجتماعی و سیاسی دیگر، استبداد است؛ استبداد و سرکوب در رژیم‌های عراق و سوریه را در نظر بگیرید. توسعه ناپایدار موجود در عراق تنها با سرکوب و استبداد سرپا مانده بود و با این سرکوب تعادلی بین قدرت‌های قبیلگی، قدرت‌های حکومتی و قدرت‌های مذهبی ایجاد شده بود. وقتی سرکوب و استبداد از میان رفت، عقده‌ها سر باز کرد. از سوی دیگر مداخلات کشورهای خارجی در این مناطق هم یکی دیگر از عوامل است و جای خود را دارد. در این زمینه نباید حمایت دولت‌های نفتی منطقه از افراط‌گرایی دینی را فراموش کرد. به‌علاوه دیگر تعارضات را نیز باید جدی گرفت. در عراق یکی از وجوه داعش را باید در تضاد و تعارض کرد- عرب دید، یکی دیگر از عوامل، راهبردی‌های کشتن‌گران فردی است. وقتی موج انقلاب‌های توده‌ای که در بهار عربی شکل گرفت، موج‌سوارانی ایجاد شدند که اکنون به افراط‌گرایی دامن می‌زنند. همچنین نمی‌توان نیهیلیسمی که پشت داعش هست را نیز نادیده گرفت. نیهیلیسم در نتیجه سرخوردگی از شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی تکنولوژیک شکل می‌گیرد. افراط‌گرایی دینی در تاریخ وجود داشته است و در تاریخ معاصر هم نه‌تنها مختص اسلام نیست بلکه از دنیای اسلام هم آغاز نشده است. گاهی به‌اشتباه افراط‌گرایی اسلامیسم تعبیر می‌شود درصورتی‌که اسلامیسم و اسلام‌گرایی لزوما افراط‌گرایی دینی نیست و می‌تواند یک مرام سیاسی و اجتماعی باشد. وقتی یک مرام دچار رادیکالیسم می‌شود، احتمال خشونت آن بالا می‌رود و تبدیل به افراط‌گرایی می‌شود؛ چه مذهبی، چه غیرمذهبی و چه دیگر ایدئولوژی‌ها.

هستند که با نظم اروپا و آمریکا و نظم جهانی به‌طورکلی مشکل دارند. انواع بیگانگی‌ها، نفرت‌ها، دیگری‌شدگی‌ها، طردشدگی‌ها و... ترکیبی را تشکیل می‌دهند که گوشه‌ای از آن را در داعش می‌بینید. بخشی از این کژتابه پیچیده حاشیه‌شده‌ها هستند و نتایج پیچیده‌ای چون شورش حاشیه علیه متن را رقم زدند که حاشیه در آنها می‌خواهد متنی که او را تبدیل به دیگری کرده است، تبدیل به دیگری کند. گروه‌های مختلف اجتماعی که از آنها نام بردید در چنین سلسله‌اتفاق‌های پیچیده‌ای به گروه‌های افراطی می‌پیوندند. بگذارید چند مثال بزنم؛ احلام النصر، شاعر زن داعشی، در کتاب شعرش، «لهب‌های حق»، جهانی را توصیف می‌کند که در آن هیچ ملیتی وجود ندارد و داعشی‌ها را در همه‌جای جهان با هر ملیتی فرامی‌خواند یا در ویدئوهای داعش شما آتش‌زدن پاسپورت‌ها را می‌بینید. چرا شاهد چنین چیزهایی هستیم؟ چون برای آنها که به داعش پیوسته‌اند دیگر دولت- ملت موضوعیت ندارد. آنها با مفهوم دولت ملی بیگانه شده‌اند. البته باید به این نکته هم اشاره کنم که تحقیقات در حد مطالعه اینجانب نشان داده است که در افراط‌گرایی دینی متغیرهای جنسی و سنی معنی‌دار نیست به این معنی که انواع گروه‌های سنی و جنسی در گروه‌های افراطی در سراسر جهان وجود دارند و نمی‌توانیم بگوییم به شکل معناداری جوان‌ها یا زن‌ها بیشتر جذب داعش می‌شوند زیرا ممکن است هر یک از این گروه‌ها به دلایل مختلف دچار کژتابه‌هایی شده و بعد به داعش پیوسته باشند. داعشی از نگون‌بخت‌ترین مناطق سوریه مثل رقه و حمص و دیرالزور رشد کرده ولی چون وارد یک بازی بین‌المنطقه‌ای و مخرب باخت- باخت شده، با انواع عصبانیت‌ها، مطالبات و ایدئولوژی‌ها ارتباط پیدا کرده و گروه‌های مختلفی از جوامع را به خود جلب کرده است. ناگفته نماند در خود اروپا و آمریکا هم گروه‌هایی

**۴ یکی از تحلیل‌هایی که در زمینه علل پیوستن به داعش به‌ویژه در میان جوانان وجود دارد، تحلیل بر بنای مصرف است. یعنی گویی ایدئولوژی داعش در دنیای مصرفی امروز تبدیل به کالایی شده که می‌توان آن را مثل هر کالای دیگری مصرف کرد.** این تحلیل قدر به واقعیت نزدیک است؟ در سرمایه‌داری متاخر که سرمایه‌داری مصرفی است، نه تولیدی، این تحلیل دور از انتظار نیست. در یک جامعه رسانه‌ای‌شده و نمایشی، داعش هم نمایش بدی نیست اما نمی‌توان همه کاسه و کوزه‌ها را سر سرمایه‌داری و بازارهای مصرف شکست و از قرائت‌های خاصی وجود دارد، زمینه‌های اجتماعی کشورهای جهان‌سوم، نابرابری‌های اقتصادی و استبداد دولت‌ها و ضعف‌های تاریخی نهادهای متولی و... گذشت. به‌همین‌دلیل معتقدم در افراط‌گرایی دینی زمینه‌های اجتماعی را باید جدی بگیرد وگرنه چرا این مصرف در جوامع توسعه‌یافته تا این درجه منجر به ایجاد افراط‌گرایی دینی نمی‌شود؟ حتی در جوامع درحال‌توسعه نیز بسته به نوع تجربیات تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و توسعه‌ای‌شان، افراط‌گرایی دینی ممکن است به وجود بیاید یا نیاید. مثلا شما عراق را با مالزی که آن هم کشوری اسلامی است مقایسه کنید.

چرا در یکی داعش ایجاد می‌شود و در دیگری اگر افراط‌گرایی هم هست، به شکل داعش نیست. به‌همین‌دلیل معتقدم نمی‌توان افراط‌گرایی را تنها به مصرف پسامدرن تقلیل داد. در جوامع مختلف زیرساخت‌های حل‌وفصل مناقشات اجتماعی متفاوت است. اگرچه هرگز در یک جامعه احتمال ناهنجاری به صفر نمی‌رسد و هیچ جامعه‌ای نسبت به انواع آسیب‌ها نظیر فساد، خشونت و انواع افراط‌گرایی مصونیت ندارد ولی جامعه از طریق سیستم‌های کارآمد مدیریتی و آموزشی و ظرفیت‌های دموکراتیک و عقلانی می‌تواند این تعارضات و ناهنجاری‌ها را حل‌وفصل کند. آنچه مهم است ظرفیت‌های حل‌وفصل و هوشمندی اجتماعی است.

**۴ راه‌حلی برای جلوگیری از افراط‌گرایی دینی وجود دارد؟**

فکر می‌کنم هرچه اصلاحات اجتماعی در جامعه وجود داشته باشد، جامعه مصونیت بیشتری نسبت به هر نوع تعصبی خواهد داشت. توسعه نهادها، ارتقای ظرفیت‌های زیرساختی اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و اجتماعی، توسعه عقلانیت اجتماعی که جامعه را هوشمند کند، حکمرانی خوب، شفافیت، عدالت یعنی ایجاد فرصت‌های برابر برای گروه‌های اجتماعی مختلف، امکان توسعه نهادهای مردمی مثل سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای صنفی، آگاهی و آموزش براساس مشارکت و رواج نقد و روشنگری که می‌تواند مسائل را در نطفه حل‌وفصل کند، می‌توانند به جامعه مصونیت دهند.

همان‌طور که اشاره کردم، مدیریت توسعه و سکنداری خوب کشور نیز در اینجا بسیار مهم است. البته ایجاد این اصلاحات اجتماعی تنها در مقیاس ملی مهم نیست و در مقیاس بین‌المللی هم مهم است این اصلاحات مدنظر قرار گیرد.

#### یک مفهوم

#### خشونت‌گرایی

#### نقض منشور سازمان ملل

چندی پیش بان کی مون، دبیرکل سازمان‌ملل متحد، در اظهاراتی در کنفرانس مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در مادرید اسپانیا گفته است: «افراط‌گرایی خشونت‌آمیز پدیده‌ای است که به اشکال مختلف ظاهر می‌شود. این پدیده‌ای است که مختص هیچ مکتب یا سیستم فکری و دینی‌ای نیست. افراط‌گرایی خشونت‌آمیز باعث تروریسم می‌شود و نقض مستقیم منشور سازمان ملل متحد و تهدیدی برای آن است. اعلامیه جهانی حقوق بشر ارزش‌هایی را دربر می‌گیرد که سازمان ملل متحد براساس آنها تاسیس شده است. افراط‌گرایی خشونت‌آمیز از همه‌لحاظ بر کار سازمان ملل متحد تأثیر دارد. این پدیده صلح و امنیت بین‌المللی را تضعیف می‌کند و پیشرفت‌های مهم بشری را از بین می‌برد».

بان کی مون در سخنانش به بیش از ۶۰ میلیون آواره در جهان اشاره کرده و تاکید داشته است: «این بیشترین رقم آوارگان از زمان پایان جنگ جهانی دوم است. بیش از ۲/۵میلیون نفر از مردم سوریه (در خارج از این کشور) آواره شده‌اند.

صداهزار نفر از مردم هم‌اکنون از کشورشان فرار می‌کنند. کشورهای اروپایی بدون استثنا هم‌اکنون با مشکل آوارگان روبرو هستند. مقابله با این تهدیدات از طریق پاسخ مناسب شورای امنیت باید همچنان یک اولویت باشد».

همچنین زینب بانگورا که به‌عنوان نماینده ویژه سازمان ملل فعالیت می‌کند درباره موضوع مأموریت خود؛ «مبارزه با خشونت جنسی در مناقشات» نکات تازه‌ای را مطرح کرده است. او به این نکته مهم که گاه‌گاه در جریان جنگ‌ها فراموش می‌شود اما جزء ترس‌های زنان است اشاره کرده است: «گروه تروریستی داعش خشونت جنسی علیه زنان را با ربودن و فروش زنان و دختران جوان به‌منظور ویژه سرمایه‌نهادینه کرده است. آنها ساختار و سیاست‌هایی را ایجاد کرده‌اند تا خشونت جنسی را به بخشی از آرمان‌های خود تبدیل کنند و از آن برای استخدام مردان جوان استفاده عمومی به‌وجودآمده از ورود سیل‌آسای مهاجران به اروپا، جنبش راست‌گرای میهن‌پرستان مخالف اسلامی‌شدن غرب موسوم به «پگیدا» را به بازیگری مهم در عرصه سیاسی تبدیل کرد. به گزارش شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان، جنبش پگیدا حدود یک سال پیش شروع به فعالیت کرد. در آن زمان صرفا یک جریان سیاسی حاشیه‌ای راست‌گرا بود، اما بحران مهاجران به هراس عمومی از میانبودن اروپا برای پذیرش این‌تعداد مهاجر دامن زد و پگیدا را به صف اصلی مخالفان پذیرش پناه‌جویان پرتاب کرد.

او در مورد شرایطی که اقلیت‌هایی همچون ایزدی‌ها با آن مواجه هستند، به‌شدت ابراز نگرانی کرد و گفت: «این زنان پیش از آنکه از خانواده‌هایشان باج گرفته شود، مجبور یا پنج‌بار به فروش می‌رسند. من با یک دختر ۲۱ ساله دیدار کردم که ۲۱ بار به‌عنوان برده جنسی فروخته شده بود». زینب بانگورا گفت پیامدهای ناشی از خشونت جنسی را در بسیاری از کشورها، از جمله زادگاهش سیرالئون که در آن بیش از ۶۵ هزار زن طی مناقشات مورد تجاوز و آزار جنسی قرار گرفته‌اند، دیده است؛ اما این مسئله در خاورمیانه دشوارترین مسئله‌ای است که تاکنون با آن مواجه شده است.

وی افزود: «من در جمهوری دموکراتیک کنگو، سومالی، جمهوری آفریقای مرکزی، ساحل عاج کلمبیا روی این مسئله خیلی کار کرده‌ام. اما بزرگ‌ترین مشکل کنونی من خاورمیانه است».

او ضمن ابراز تأسف گفت: «از قدیم در آن خشونت علیه زنان یک جرم درج‌دو علیه شهروندان درجه دو تلقی می‌شود و این به ایجاد فرهنگ انسکار آنچه به آرامی و در خفا در حال وقوع است، منجر شده است». این نماینده ویژه سازمان ملل به وظیفه مردم اشاره کرد و گفت: «مردم باید دریابند که این یک تاکتیک جنگی است، عمدی و حساب‌شده است بنابراین ما باید آن را مدنظر قرار دهیم و برای این جنایت مجازات سنگین‌تری اعمال کنیم تا عاملان این جنایت به سزای خود برسند».

#### نگاه

#### جنگ در دوران صلح



بسیاری از نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی بر این باورند که دوره مدرن دوره خاتمه‌یافتن جنگ و خون‌ریزی است. درواقع این نظریه‌پردازان شکل‌گیری جامعه صنعتی را پایان جامعه نظامی می‌دانند زیرا در عصر مدرن ارتباط بین کشورها بیش از هر چیز ارتباطات اقتصادی است و تولید صنعتی مستلزم همکاری است. قبل از شکل‌گیری جامعه صنعتی کشورها می‌توانستند بدون اینکه با هم همکاری داشته باشند نیازهایشان را مرتفع کنند زیرا اقتصاد عمدتا اقتصاد کشاورزی و وابسته به زمین بود.

ازهمین‌رو جنگ‌ها در این دوره هم بیش از هر چیز به دلیل خشک‌سالی و نبود منابع آبی و مراتع برای دام‌ها اتفاق می‌افتاد زیرا این کمبودها اقوام و به‌ویژه اقوام صحرائشین را مجبور به حمله به دیگر سرزمین‌ها و شهرها می‌کرد.

اما با شروع دوران مدرن مبتنی بر اقتصاد صنعتی، نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی پیش‌بینی می‌کردند مناسبات بین‌المللی، هم به دلیل ضرورت همکاری اقتصادی و هم به دلیل رشد فکری بشر و در نتیجه گسترش عقل‌گرایی و به‌ویژه رواج دموکراسی شکل مسالمت‌آمیز به خود خواهد گرفت و نظامیان که تا پیش از این در خط اول صحنه جوامع بودند، به پشت صحنه می‌روند و صحنه را به سیاست‌مداران و فعالان اقتصادی واگذار می‌کنند. یکی از این نظریه‌پردازان متاخر اتنونی کیدنز است که معتقد است دوران مدرن، دوران دولت‌های بدون تنش و بدون جنگ است. بنابراین باید ساماندهی سیاست در دوره مدرن را بر این مبنا انجام داد تا جنگ‌ها به حداقل کاهش یابد.

این دیدگاه‌های خوش‌بینانه حتی معتقد بودند دشمنی در دنیای مدرن حتی اگر به جنگی منتهی شود، آن جنگ‌ها، جنگ‌های چندروزه خواهند بود. باوجود این دیدگاه‌های خوش‌بینانه جنگ‌های زیادی به‌ویژه در دهه‌های اخیر اتفاق افتاد که می‌توان ریشه این تنازعات را هم همچنان در محدودیت‌ها و عدم دسترسی به منابع یافت. البته در دنیای مدرن اختلافات مرزی و پیداشدن احساسات ناسیونالیستی در برخی اقوام هم یکی از دلایل جنگ در دوران مدرن است؛ عمده مناقشات و منازعات در صربستان، چکسلواکی، اتحاد جماهیر شوروی سابق و... را می‌توان بر چنین مبنایی تحلیل کرد.

#### نکته

### سیاست و بحران

اتفاق غربی در جهان رخ داده است در گوشه‌های داعش است و طالبان که مردم خاورمیانه را روانه گوشه‌وکنار دیگر دنیا کرده است. اروپا و آمریکا که مردمانش در صلح و امنیت به‌سر می‌برند دچار مشکل شده‌اند. آنان نسبت به این اتفاق‌ها واکنش‌هایی مثبت و منفی نشان داده‌اند. اگر در اتریش مردم با ماشین‌های خود پناهندگان را رایگان به این‌سو و آن‌سو می‌برند که نکنند اسیر کمپ‌های مهاجران شوند، در سوی دیگر دنیا مثلا آلمان ساختمان‌های پناهندگان آتش زده می‌شود. هرکدام از مردم به‌گونه‌ای نسبت به ماجرا واکنش نشان می‌دهند. مثلا رعب‌وهراس عمومی به‌وجودآمده از ورود سیل‌آسای مهاجران به اروپا، جنبش راست‌گرای میهن‌پرستان مخالف اسلامی‌شدن غرب موسوم به «پگیدا» را به بازیگری مهم در عرصه سیاسی تبدیل کرد. به گزارش شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان، جنبش پگیدا حدود یک سال پیش شروع به فعالیت کرد. در آن زمان صرفا یک جریان سیاسی حاشیه‌ای راست‌گرا بود، اما بحران مهاجران به هراس عمومی از میانبودن اروپا برای پذیرش این‌تعداد مهاجر دامن زد و پگیدا را به صف اصلی مخالفان پذیرش پناه‌جویان پرتاب کرد.



هر دوشنبه‌شب در درسدن هزاران معترض به خیابان می‌آیند، پیام آنها این است، پناه‌جو بس است. آلمان جا ندارد. این تجمع‌ها را پگیدا ترتیب می‌دهد؛ جنبشی که زمانی جرانی راست‌گرا و آماتور در حاشیه محسوب می‌شد اما حالا رشد کرده است. وحشت عمومی از مهاپنودن اروپا برای پذیرش بیش از یک‌میلیون پناه‌جویی که انتظار می‌رود تا امسال به اروپا بیایند به رشد پگیدا کمک کرده است. بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان در یک نظرسنجی معتقدند آلمان بیش از اندازه پناه‌جو پذیرش کرده است. پلیس آلمان تعداد کسانی را که دوشنبه‌شب در درسدن به خیابان‌ها آمدند، ۱۵هزارنفر برآورد کرد. هم‌زمان تجمع موافقان مهاجران و مخالفان پگیدا در درسدن برگزار شد. حاضران پلاکاردهایی به‌همراه داشتند که روی آن نوشته بود: «مهاجران خوش آمدید، پگیدا بیرون برو»؛ تجمعی کوچک‌تر اما پرسروصداتر که تلاش می‌کرد حریف را از میدان به‌در کند. تجمع‌های درسدن تداعی‌کننده تجمعات هفتگی ضدکمونیستی است که در نهایت به سقوط دیوار برلین و اتحاد دو آلمان منجر شد. اما حتی بسیاری از حاضران در تجمع مخالفان مهاجرپذیری با نگرانی به سخنرانی‌های خصومت‌آمیزی گوش می‌دهند که بر ضد مهاجران ایراد می‌شود. معترضان در هر دو طرف اعلام کردند به تجمع‌های خود در طول زمستان ادامه می‌دهند، اما شمار بیشتر مخالفان نشان می‌دهد مخالفت با مهاجرپذیری واقعیتی سیاسی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

البته بخشی از آنها هم ممکن است بعدا به این

عصبانیت پیوسته باشند. ممکن است یک مهاجر که در جامعه اروپا جذب متمایز و نابرابر شده یعنی به کشوری غربی مثل فرانسه سفر کرده است اما وضعیت نابرابری نسبت به شهروند فرانسوی دارد، با انواع آرزوهای فروخورده، جذب دشمن شود. منظوم